

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۲۸ جولای ۲۰۲۳

پیمان لوزان و درد و رنج و مبارزه صد ساله مردم کرد!

پیمان لوزان؛ به ضرر مردم کرد تمام شد و به همین دلیل، این مردم تا به امروز پیمان لوزان را نپذیرفته‌اند و پس از گذشت یک قرن از انعقاد این قرارداد ضالمانه، همچنان به مبارزه آزادی‌خواهانه و عدالت‌جویانه و حق‌طلبانه خود ادامه می‌دهند.

مذاکرات دشوار لوزان ۸ ماه تمام به طول انجامید و در این مدت، هیئت ترک در لوزان حضور داشت و مداوما در حال رایزنی بود. رییس هیئت مذاکره‌کنندگان ترکیه «عصمت اینونو» بود. فردی که یار غار آتاترک بود و به مدت چند دهه در آغاز در مقام نخست وزیر و بعدها به عنوان رییس جمهور، در جمهوری ترکیه، ایفای نقش کرد. او همچنین دو معاون، دو محافظ و بیش از ۱۴ مشاور و ۳ منشی و مترجم را با خود به لوزان برده بود و زیر سؤال بردن ماهیت و کم و کیف دستاوردهای او، از این نظر برای کمالیست‌ها ناخوشایند است که در سپهر فکری و ایدئولوژیک آن‌ها، عصمت پاشا مرد شماره ۲ کمالیسم است و نباید به جایگاه او، تخطی شود.



«توافق‌نامه لوزان» نام پیمان صلحی بود که در لوزان سوئیس در سال ۱۹۲۳ میان ترکیه از یک سو و متفقین از سوی دیگر به امضاء رسید و باعث به رسمیت شناخته شدن کشور تازه بنیاد ترکیه از سوی کشورهای جهان شد. متفقین پس از پیروزی در جنگ جهانی اول برای تنبیه امپراتوری عثمانی طی پیمانی به نام توافق «سور» قلمروی این امپراتوری را به منطقه آناتولی که اهالی آن منحصرآ ترک‌تبار بودند، محدود کردند؛ در آن هنگام، بریتانیا و فرانسه تنگه‌های «داردانل» و «بسفور» و شهر استانبول را در تصرف خود داشتند. بر اساس همین پیمان ساحل غربی آناتولی نیز به یونانی‌ها داده شد و مقرر شد یک ارمنستان بزرگ مستقل و یک منطقه خودمختار کردنشین در بخش‌های شرقی آناتولی ایجاد شود؛ و این به معنای تجربه و پایان امپراتوری عثمانی بود.

این پیمان اعتراض و شورش ملی‌گرایان ترک را در پی داشت. آن‌ها با کمک روسیه کشور جدیدالتاسیس ارمنستان بزرگ را از بین برده و قلمروی ارمنه را محدود به سرزمین کوچک ارمنستان امروزی در ناحیه قفقاز کردند و سپس به جنگ یونان رفتند.

در ماه اوت سال ۱۹۲۱ میلادی، ترک‌ها پس از یک نبرد سه هفته‌ای یونان را از رودخانه «ساکاریا» عقب رانده و تا یک سال بعد موفق شدند به‌طور کامل نیروهای یونانی را تا دریای اژه عقب برانند.

پیروزی‌های نیروهای ملی‌گرای ترکیه سرانجام باعث شد مقامات کشورهای متفق چون یونان، فرانسه، بریتانیا، ایتالیا، ژاپن، رومانی و پادشاهی صرب و کروات و اسلوانی چاره‌ای نداشته باشند جز این‌که در ۲۴ ژوئن سال ۱۹۲۳ میلادی در شهر لوزان سوئیس برای صلح با ترکیه و ملغی کردن توافق «سور» پشت میز مذاکره بنشینند.

براساس پیمان جدید که به توافق لوزان معروف شد ترک‌ها تنگه‌های داردانل و بسفور، شهر استانبول، بخش اروپایی ترکیه و نیز ساحل شرقی دریای اژه را بازپس گرفتند و ترکیه مدرن را پایه‌گذاری کردند.

همچنین موافقت‌نامه سایکس-پیکو توافقی سری میان بریتانیای کبیر و فرانسه بود که در ماه مه ۱۹۱۶ در خلال جنگ جهانی اول و با رضایت روسیه برای تقسیم امپراتوری عثمانی منعقد شد. این توافق‌نامه به تقسیم سوریه، عراق، لبنان و فلسطین میان فرانسه و بریتانیا منجر شد. این مناطق قبل از آن تحت کنترل ترک‌های عثمانی بودند.

پس از گذشت بیش از صد سال از معاهده سایکس-پیکو، باز هم شاهد ادعاهایی از سوی مقامات ارشد ترکیه در انتقاد از توافق لوزان و سایکس-پیکو بوده‌ایم.

«رجب طیب اردوغان» رییس‌جمهور ترکیه چندی پیش توافق نامه ۱۹۲۳ لوزان را مورد انتقاد قرار داد که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان منظور وی از تصمیمات گرفته شده در این توافق درباره خاورمیانه و بخش‌های از عراق امروز است.

همچنین چند روز قبل «نعمان کورتولوش» معاون نخست وزیر ترکیه در همایشی در استانبول با انتقاد از معاهده سایکس-پیکو گفت در سال ۱۹۱۶ برندگان جنگ جهانی اول دور هم نشستند و بدون توجه به مسایل تاریخی و فرهنگی مردم خاورمیانه مرزهای مصنوعی را ترسیم کردند که عامل بسیاری از مشکلات امروز خاورمیانه است.

یک قرن از پیمان لوزان می‌گذرد. پیمانی که جغرافیای کردستان را بین چهار دولت تقسیم کرد. حتی بسیاری از کردها داخل این کشورها نیز کوچ اجباری داده شدند. با پیمان لوزان، پروسه سرکوب مردم کرد سرعت گرفت و کشورهای دیگر هم در برابر سیاست کشتار کردها، سیاست سکوت در پیش گرفتند.

با توافق لوزان در خاورمیانه، تقسیمات جدید بر سر مسئله دولت-ملت صورت گرفت و سیاست انکار و امحای شهروندان کرد تسریع شد.

پیمان لوزان در ۲۴ ژوئن ۱۹۲۳ در کنگره‌ای در شهر لوزان سوئیس، توسط هشت کشور بریتانیا، فرانسه، ژاپن، یونان، رومانی، صربستان، کرواسی، اسلوانی و ترکیه امضاء شد. پس از برگزاری این کنگره، که هدف اصلی آن بحث در مورد مسائل بین کشورهای ترکیه و یونان و امضای قرارداد صلح جدید با ترکیه، به رهبری کمال آتاتورک بود، تقسیم‌بندی سیاسی و جغرافیایی خاورمیانه از نو شکل یافت. هدف از امضای این پیمان جدید جایگزینی آن به‌جای پیمان سیور بود که در آن از حق تعیین سرنوشت کردها یاد شده بود.

پیمان لوزان، از این لحاظ که منافع چندین کشور و قدرت‌های جهانی به آن بستگی داشت، پیمانی تاریخی محسوب می‌شود. بر اساس این پیمان، کردستان بین ترکیه، ایران، سوریه و عراق به چهار بخش تقسیم شد که تاثیر به‌سزایی در مسائل و مشکلاتی که بعدها کردها با آن مواجه شدند، داشت.

پیمان لوزان، بود، تجدیدنظری بود در موارد و مفاد پیمان سور که در ۱۰ اوت ۱۹۲۰ میان کشورهای پیروز جنگ جهانی اول امضاء شد؛ اکنون مرزهای جدید امپراتوری عثمانی، دولتی که در جنگ جهانی اول شکست خورد و سرزمین‌هایش در مرکز توجه کشورهای جنگ‌زده قرار گرفت تحت تاثیر پیمان لوزان قرار می‌گرفت. ظهور دولت جدید ترکیه که توسط آتاتورک محقق شد، به معنی آن بود که از آن پس، دولت عثمانی وجود نخواهد داشت و حقوق و خواسته‌های کردها متعاقبا کنار گذاشته خواهد شد.

مهمترین بخش پیمان لوزان، تعیین مرزهای ترکیه و حقوق اتنیک‌ها در این کشور بود که ایالت موصل را از دولت جدید ترکیه جدا کرد و در مرز جغرافیایی عراق قرار داد. مواد ۳۷ تا ۴۵ این قرارداد به حقوق اتنیک‌ها در مرزهای عثمانی می‌پرداخت که مهم‌ترین آن‌ها مربوط به حقوق کردها بود. طبق ماده ۳۷، دولت ترکیه حق داشت هر ماده‌ای که با تصمیمات و منافع ناسازگار باشد را از قرارداد خارج کند. در ماده ۳۸، دولت ترکیه متعهد شد بدون هیچ تبعیضی در زبان و نژاد و دین، از حقوق، دارایی و آزادی همه اتنیک‌ها دفاع کند و طبق ماده‌ی ۳۹، متعهد شد آزادی شهروندان را تأمین کند و اتنیک‌های مختلف حق روزنامه‌نگاری، کسب و کار، انجام مناسک دینی و مذهبی و فعالیت‌های سیاسی با زبان مادری خود را داشتند.

با وجود مواد پیمان، مبنی بر حمایت از حقوق اتنیک‌ها در ترکیه؛ کردها، ارمنی‌ها و تمام اتنیک‌های غیرترک از یکی از اساسی‌ترین حقوق که آموزش به زبان مادری است، محروم شدند. در مقابل، انقلاب کردها علیه اشغال‌گران برای مطالبه حقوق‌شان سال‌ها ادامه یافت که سرانجام به شدت از سوی کشورهای قدرتمند پاسخ داده شد. بیش از یک میلیون کورد در قیام شیخ سعید پیران، احسان نوری پاشا، سیدرضا دیرسیم و همچنین شورش‌ها انقلاب‌های سال‌های بعد کشته شدند.

در ۲۰ نوامبر ۱۹۲۲ کنگره لوزان میان کشورهای بریتانیا، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، یونان، رومانی، اسلونی، صربستان و ترکیه برگزار شد. غیر از این‌ها کشورهای اوکراین، بلغارستان و... عضو حاضر در کنگره بودند.

پیمان لوزان در ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۳ در قلعه اوشی «قلعه تاریخی انقلابیون قرن ۱۳ که به از بین بردن انقلابیون تبدیل شد» در شهر لوزان سوئیس امضاء شد.

به پیشنهاد ترکیه در ۲۳ آوریل ۱۹۲۳، مرحله دوم کنگره لوزان آغاز شد. در نشست دوم کنگره در رابطه با دولت عثمانی به مدت ۳ ماه گفت‌وگو کردند. در نتیجه در ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۳ توافق لوزان میان هیئت ترکیه و کشورهای این ائتلاف امضاء شد. این توافق علیه معاهده سور (۱۹۲۰/۰۸/۱۰) بود که حاکمان عثمانی، بریتانیا و کشورهای دیگر به‌طور رسمی کردها را به‌عنوان ملت قبول کردند. آتاتورک در مقابل مجازات اعدام را بر کسانی که این توافق را امضا کرده بودند تحمیل نمود. همه تلاش‌های ترکیه برای آن بود که ماده‌های ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ معاهده سور اجرا نشود.

آتاتورک و مقامات آن دوران ترکیه، قبل از معاهده سور در کنگره‌های ارزروم و سیواس به کردها قول داده بودند، همه حقوق خلق کرد را برآورده سازند. در ۲۳ آوریل ۱۹۲۰ در آنکارا، پارلمان ترکیه اتونومی کرد را پذیرفت. آتاتورک گفت: «سرنوشت کرد و ترک مانند هم است و مسئله کردها مسئله ماست.»

بر اساس قانون اساسی سال ۱۹۲۱ قرار بود که مسئله کرد حل و فصل شود، اما پس از قانون اساسی سال ۱۹۲۱ با قانون اساسی ارسال ۱۹۲۴ مسئله کرد و حتی موجودیت کردها انکار شد. پس از قانون اساسی، آن‌ها انکار و کوچ دادن و کشتار کردها را آغاز نمودند.

اگرچه طبق این توافقات اعلام نمودند، کردها و ترک‌ها یکی هستند، اما در حقیقت یک قرن سال است علیه آن گام برمی‌دارند. در مقابل، کردها هم ساکت ننشستند و ده‌ها بار قیام کردند و هرگز از مبارزه حق‌طلبانه خود دست نکشیدند.

قیام شیخ سعید در سال ۱۹۲۵، قیام آگری (زیلان) در ۱۹۳۰، قیام درسیم ۱۹۳۷، مشخص‌ترین این قیام‌ها هستند که توسط مبارزین خلق کرد سازمان‌دهی و اجرا شدند.

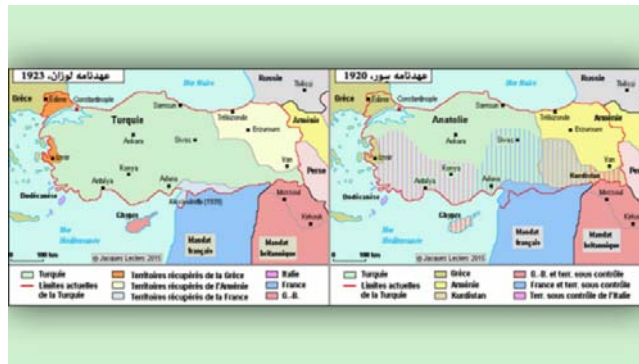
در حقیقت این حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) به رهبری عبدالله اوجالان بود که مبارزه نوین مردم کرد در خاورمیانه و از موضع چپ و برابری‌طلبانه به جریان افتاد. در جنگ نابرابری که دولت‌های ناسیونالیست علیه مردم کرد و همه مخالفین خود راه انداختند و بیش از ۲۰ سال است که دولت حزب اسلامی عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان، غیر از دوران کوتاهی، مردم کرد را بی‌رحمانه به خاک و خون کشیده‌اند؛ شهرها و هزاران روستای کردنشین را ویران کرده‌اند و میلیون‌ها شهروند کرد را در داخل و خارج کشور، آواره کردند. کلیه مخالفین خود را به زندان افکنده و سانسور و سرکوب شدیدی را به جامعه تحمیل کرده‌اند.

اگرچه در برخی مراحل پروسه صلح، به‌ویژه مابین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ توسط هیئت‌ها آغاز شد، اما پروسه پس از ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۵ وارد مرحله‌ای دشوار شده است.

رجب طیب اردوغان نخست وزیر وقت و رئیس جمهوری کنونی ترکیه، با شعار «همه‌چیز برای ترک‌ها و ترکیه»، پیمان میثاق ملی و بازگشت به مرزهای عثمانی را دوباره به سیاست روز تبدیل کردند. در همکاری از داعش و حمایت از این جریان وحشی و آدمکش، تلاش‌شان برای اشغال کوبانی با شکست روبه‌رو شد و سپس اشغال مستقیم عفرین، سریکانی، گری‌سپی و ویران کردن و قتل‌عام مناطق سور، آمد، جزیر، سلوی و چندین منطقه باکور کردستان و دخالت در کرکوک و موصل و تاسیس مقرهای نظامی جدید در نزدیکی موصل و اقلیم کردستان و ایجاد نیروهای نظامی میان ترکمن‌ها و سنی‌های عراق و فرستادن نیرو به سوریه، لیبی، تشنج با یونان و بحران پناهجویان با اتحادیه اروپا، کودتای ساختگی و...، توطئه‌های خطرناک جنگی و تروریستی خود را عملی نمود.

عبدالله اوجالان، در ارزیابی و تفسیرهایش توافق لوزان را فاجعه‌بارترین رخداد‌های قرن بیستم معرفی کرده و گفته است: «لوزان فقط بر کوردها تأثیر ندارد، بلکه به‌اندازه بمب اتمی بر خلق عرب و غیرعرب و ترک نیز تأثیر گذاشته است.»

اوجالان به‌وضوح در رابطه با مرحله کاری نیز می‌گوید: «برای بسیاری از خلق‌ها پیمان لوزان به‌معنی صلح است، اما زمانی که برنده و بازنده وجود داشته باشد، نمی‌توان این وضعیت را صلح و آشتی نامید. امروز آ.ک.پ، م.ه.پ، ج.ه.پ و طیف‌های دیگر مشابه آن‌ها با نژادپرستی به سیاست‌های پیشین خود ادامه می‌دهند. به‌همین دلیل زمان فروپاشی پیمان لوزان فرا رسیده و باید براساس دمکراتیزه نمودن، این ائتلاف نوسازی شود.»



ترکیه، عهدنامه «سور» و عهدنامه لوزان

در واقع با امضای عهدنامه لوزان، ترک‌ها حاکمیت‌شان را بر سراسر آناتولی باز یافتند. مسئله تشکیل «منطقه خودمختار کرد» در جنوب شرقی آناتولی که فاتحان جنگ در عهدنامه سور به کردها وعده داده بودند به فراموشی سپرده شد. ترکیه مدرن با شعار «یک کشور، یک سرزمین، یک دین، یک زبان و یک ملت»، از دل آن عهدنامه بیرون آمد. در کنفرانس لوزان، مصطفی کمال، که در آن هنگام آوازه‌اش در جهان پیچیده بود، آنچه می‌خواست از زبان عصمت پاشا گفت و منافع حاکمیتش را در بند بند عهدنامه‌ای که در ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۳ امضاء شد، از جمله علیه مردم کرد گنجانید. دولت‌های سرکوبگر و دیکتاتور ایران، عراق، سوریه و ترکیه، همواره مرتکب جنایت‌های بزرگی علیه مردم کردها شده‌اند.

از جمله جمعه بیست و پنجم سپتامبر ۲۰۱۷، مجلس کردستان عراق به برگزاری همه‌پرسی برای اعلام استقلال آن سرزمین رای مثبت داد. بدین‌سان، دوشنبه ۲۵ سپتامبر همه‌پرسی برای جدا استقلال اقلیم کردستان عراق برگزار شد. حکومت‌های ترکیه و ایران، به مخالفان جدی و سرسخت این همه‌پرسی تبدیل شدند. تشکیل «قلمرو خودمختار کرد» را فاتحان جنگ جهانی اول در سال ۱۹۲۰ با امضای عهدنامه «سور» به کردها وعده دادند. آن عهدنامه پس از دو ماه مذاکره میان سلطان محمد ششم، واپسین امپراتور عثمانی، و «متفقین» پیروز در جنگ جهانی اول در دهم اوت ۱۹۲۰ در شهر سور واقع در دیارتمان «أ- د- سین» در شمال فرانسه امضاء شد.

برپایه آن عهدنامه، متفقین سرزمین‌های امپراتوری عثمانی را میان خود و دیگران تقسیم کردند. آنچه از قلمرو پیشین آن امپراتوری برای ترک‌ها باقی ماند، در قاره اروپا تنها استانبول بود و در قاره آسیا بخش غربی آناتولی منهای از میر و مناطق پیرامون آن. آن بخش روی هم رفته از ۴۲۰ هزار کیلومتر مربع تجاوز نمی‌کرد. در بندهای ۸۸ تا ۹۴ آن عهدنامه، فاتحان جنگ چنین نهادند که ولایت‌های وان، بتلیس، طرابوزان و ارزروم به جمهوری مستقل ارمنستان واگذار شود و در بندهای ۶۲ تا ۶۴ آن، منطقه‌ای خودمختار در جنوب شرقی آناتولی برای کردها پیش‌بینی کردند. یونان نیز از میر و مناطق پیرامون آن را در غرب آناتولی و نیز تراکیه شرقی و جزایر امبروس (گوکچه آدا)، تیندوس (بوزجا آدا) و جوند (علی بی آداسی) را که در جنگ اشغال کرده بود، به تصرف خود درآورد.

بر پایه آن عهدنامه، متفقین جدا از تقسیم سرزمین‌های عرب‌زبان عثمانی میان خود و واگذاری اراضی آناتولی به کشورهای هم‌جوار و اقلیت‌های قومی، نظارت بر دستگاه مالی و اداری ترک‌ها را نیز به کشورهای فرانسه، بریتانیا و ایتالیا واگذار کردند. افزون بر آن، عثمانی‌ها تعهد کردند ناوگان‌شان را تسلیم متفقین کنند و کارکنان ارتش خود را به ۱۵ هزار سپاهی و ۳۵ هزار ژاندارم کاهش دهند.

عهدنامه سور به رهبری مصطفی کمال (آتاتورک)، یکی از فرماندهان ارتش عثمانی، که از ژوئن ۱۹۱۹ میلادی در آناتولی هم با دولت مرکزی و هم با قدرت‌های اشغالگر می‌جنگیدند، باطل اعلام کردند. در ژانویه ۱۹۲۱ و سپس در مارس همان سال، نظامیان ناسیونالیست ترک به رهبری عصمت پاشا بر یونانی‌ها در اینونو پیروز شدند. با این حال، نیروهای یونانی توانستند ترک‌ها را تا آن سوی رودخانه «سقاریه» که به دریای مرمره می‌ریزد، پس‌بنشانند. در همان هنگام، گروه‌هایی از جنگجویان ترک با نیروهای ارمنی در شرق آناتولی می‌جنگیدند و پس از تار و مار کردن و پس نشان دادن آن‌ها بود که سپاهیان زیر فرمان مصطفی کمال توانستند ارتش عظیم یونان را با بیش از صد هزار مرد جنگی درهم بشکنند و آنان را از غرب آناتولی بیرون برانند.

در اوت ۱۹۲۱، پس از سه هفته جنگ بی‌وقفه، سپاهیان زیر فرمان مصطفی کمال توانستند در سقاریه نیروهای یونانی را از پیشروی بازدارند و یک سال بعد در ۳۰ اوت ۱۹۲۲ با پیروزی در نبرد «دوملوپینار» دست یونانی‌ها را از آناتولی کوتاه کردند. سپاهیان یونان در راه بازگشت از کشتار مردم و آتش زدن آبادی‌ها دریغ نکردند و در هفتم سپتامبر

آن سال از میر را، که بیش‌تر ساکنانش یونانی بودند، رها کردند و به یونان بازگشتند. آن‌گاه سپاهیان ترکیه وارد شهر شدند و یونانی‌ها شهر را ترک کردند.

در ۱۱ اکتبر ۱۹۲۲ مصطفی کمال در «مودانیا»، شهری در استان بورسا در شمال غربی ترکیه، با یونانیان پیمان ترک جنگ بست و به همین مناسبت مجلس ملی آنکارا عنوان «غازی» به او داد. چنین بود که فاتحان جنگ جهانی اول فهمیدند که باید از عهدنامه سور چشم‌پوشی کنند و وارد بده و بستان دیگری با ترک‌ها شوند. برای این منظور، در بیستم نوامبر ۱۹۲۲ کنفرانس تازه صلح در لوزان آغاز شد. در روز گشایش آن، موسولینی از ایتالیا، پوانکاره از فرانسه، ونیزلس، وابسته نظامی یونان در پاریس، و ژنرال عصمت پاشا از ترکیه شرکت داشتند. عصمت پاشا سخنانش را با برشمردن جنایت‌های یونانیان در آناتولی آغاز کرد.

عصمت اینونو در زمان جنگ جهانی اول مقام سرگردی جمهوری ترکیه، مقام نخست وزیری را به‌دست‌آورد. وی سیاست‌مدار زیرکی بود و مغز اندیشمند آتاتورک به‌شمار می‌آمد و در زمان آتاتورک، بارها نخست‌وزیر شد و تا مرگ آتاتورک، ریاست دولت را برعهده داشت و کشور را به‌نام او اداره می‌کرد. اینونو، در زمان جنگ جهانی دوم، با توجه به وضع اقتصادی ترکیه، کشورش را از جنگ به دور نگاه داشت. بسیاری از ناظران می‌نویسند که وی به‌تنهایی در برابر سیاست‌مدارانی که طرفدار ورود به جنگ بودند می‌ایستاد و می‌گفت «باید صبر کرد تا نتیجه جنگ مشخص شود. اگر پیروزی متحدین حتمی باشد، آن‌گاه وارد جنگ می‌شویم.»

با امضای عهدنامه لوزان، ترک‌ها حاکمیت‌شان را بر سراسر آناتولی بازیافتند. مرز میان ترکیه و عراق تعیین شد. مسئله تشکیل «منطقه خودمختار کرد» در جنوب شرقی آناتولی که فاتحان جنگ در عهدنامه سور به کردها وعده داده بودند به فراموشی سپرده شد. تنها مسئله ناروشنی که باقی ماند، مسئله ولایت موصل در شمال عراق بود که ترک‌ها مدعی آن بودند. به پیشنهاد بریتانیایی‌ها که در آن زمان بر عراق تسلط داشتند، حل آن مسئله به «جامعه ملل» واگذار شد و جامعه ملل در ۱۶ دسامبر ۱۹۲۵ موصل را از آن عراق دانست.

در تاریخ دیپلماسی، عهدنامه لوزان را نخستین عهدنامه‌ای می‌دانند که در آن، یک‌سان‌سازی قومی پذیرفته شده است. ترکیه مدرن با شعار یک کشور، «یک سرزمین، یک دین، یک زبان و یک ملت»، از دل آن عهدنامه بیرون آمد. مصطفی کمال بر ویرانه‌های امپراتوری عثمانی چند فرهنگی و چند ملیتی، تک‌فرهنگی‌ترین و همگون‌ترین جمهوری جهان را بنیان گذاشت. از یک میلیون و سی صد هزار یونانی ارتدکس که از روزگار باستان در آناتولی می‌زیستند، جمعیتی نزدیک به صد هزار نفر در استانبول باقی ماندند. ارمنی‌ها را قتل‌عام و کردها چشم امید به فرصت تاریخی دیگری دوختند.

توافق‌نامه لوزان که در ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۳ در شهر لوزان سوئیس به امضاء رسیده، به‌عنوان سند تاسیس جمهوری ترکیه پذیرفته شد و این توافق‌نامه به رسمیت شناختن ترکیه به‌عنوان یک کشور مستقل و دارای حاکمیت است که اثرات آن تا به امروز نیز ادامه دارد.

غازی مصطفی کمال (آتاتورک) در کتاب نطق درباره توافق‌نامه صلح لوزان گفته است: این توافق‌نامه به‌مثابه دفع سوءقصد علیه ملت ترک است که از قرن‌ها پیش برای نابودی این ملت تدارک دیده شده و با عهدنامه سور کامل شده بود.

-مرزهای ترکیه در لوزان مشخص شد

روند مذاکرات پیمان لوزان در ۲۰ نوامبر ۱۹۲۲ آغاز و از ترکیه خواسته شد تا در زمینه «کاپیتولاسیون» و «حکومت ارمنستان» مصالحه کند.

این مذاکرات در ۴ فوریه سال ۱۹۲۳ به علت مسائل مربوط به تنگه‌ها، کابیتولاسیون، بدهی‌های دولت عثمانی، وضعیت شهرهای موصل و کرکوک متوقف شد.

مذاکرات در ۲۳ آوریل ۱۹۲۳ مجدداً آغاز شد. مرز سوریه نیز بر اساس توافق‌نامه آنکارا که در ۲۰ اکتبر ۱۹۲۱ به تصویب رسیده بود، پذیرفته و مشخص شد.

بر این اساس، تعیین مرز عراق نیز به نتیجه گفت‌وگویی بین مجلس ترکیه و انگلستان در آینده موکول شد. مرز یونان نیز همانند توافق‌نامه مولداوی پذیرفته شد ولی یونان منطقه کار آغاچ را به‌عنوان غرامت جنگی به ترکیه واگذار کرد. با این پیمان، مرزهای شوروی، مسکو و قارص همانند آنچه که در پیمان‌های قبل مشخص شده بود باقی ماند. تاسیس یک کشور ارمنی در آناتولی شرقی متوقف شد.

کابیتولاسیون‌ها در معاهده لوزان لغو شد. جزایر بوزجداغ و گوکچه داغی به ترکیه و دوازده جزیره به ایتالیا واگذار شده و بقیه جزایر نیز برای یونان باقی ماند.

با این حال، پس از جنگ جهانی دوم و با خروج ایتالیا از این جزایر، دوازده جزیره مذکور نیز به یونان واگذار شد. مسئله تنگه‌ها، یکی از موضوعات مورد بحث در لوزان بود که با کنوانسیون تنگه مونتره که در تاریخ ۲۰ ژوئیه ۱۹۳۶ به امضاء رسید، حل شد.

طبق توافق‌نامه لوزان، مدارس خارجی در مرزهای دولت ترکیه مطابق قوانین ترکیه تاسیس شده و مفاد درسی مدارس فوق توسط دولت ترکیه تنظیم می‌شد.

پاتریک‌خانه فنر روم به شرط برقراری تماس با کلیساهای خارجی در ترکیه باقی مانده و امتیازات اعطا شده به اقلیت‌ها لغو شد و همه اقلیت‌ها به‌عنوان اتباع ترکیه محسوب شدند.

به غیر از یونانی‌های مقیم استانبول سایر یونانی‌ها از ترکیه به یونان فرستاده شده و به غیر از ترک‌های تراکیای غربی همه ترک‌ها نیز به ترکیه آمده و بدین ترتیب تبادل جمعیت بین دو کشور صورت می‌گرفت.



صحنه خاورمیانه بر اساس پیمان ساکس-پیکو

برخی از تحلیل‌گران معتقدند که دولت ترکیه، هنوز هم ادعاهای تاریخی خود در مورد موصل، کرکوک و حتی مناطقی از حلب، کنار نگذاشته است.

اما واقعیت این است که ترکیه در این حوزه دست به اقدامات جدیدی زده و به‌عنوان مثال، به‌جای اصرار بر موضوع خاک و الحاق، به مساله مهمی به نام نفوذ و تأثیرگذاری استفاده از کارت ترکمان‌ها، کردها و اهل سنت، بهای بیش‌تری داده است.

با این حال، رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه و رهبر حزب عدالت و توسعه، بدش نمی‌آید که هر از چندگاهی، کل پیمان لوزان را زیر سؤال برده و آن را به چالش بکشد. او تاکنون چندین بار در این مورد اظهار نظر کرده است.

اردوغان در سال ۲۰۱۶ میلادی در نشست با دهیاران ضمن انتقاد از توافق لوزان گفته بود: «برخی تلاش می‌کنند توافق لوزان را به‌عنوان یک پیروزی نشان دهند، به دریای اژه نگاه کنید، نیمی از جزایرمان را در توافق لوزان به یونان واگذار کردیم، آیا این پیروزی است؟ این جزایر، ملک ماست، در آن مساجد و عبادتگاه داریم همچنین طبق این توافق، ما در منطقه اقتصادی خود محصور شده‌ایم، آیا هنوز این توافق را به شکل صحیح درک نمی‌کنیم، این چه توافقی است که حق و حقوق خود را طی آن از دست دادیم؟»

اردوغان در سال ۲۰۱۷ میلادی در کنفرانس مطبوعاتی با همتای یونانی خود خواستار بازبینی در توافق لوزان شد که نخستین مورد طی ۶۵ سال گذشته به شمار می‌رود، وی تاکید کرد: این توافق‌نامه به شکل عادلانه مرزهای ترکیه و یونان را ترسیم نکرده است باید آن را بازبینی کرد اما طرف یونانی تاکید کرد که توافق لوزان خالی از عیب و غیر قابل مذاکرات مجدد است.

در همین رابطه، «متیو رای»، پژوهش‌گر فرانسوی و متخصص تاریخ خاورمیانه درباره احتمال تغییرات در بندهای توافق لوزان گفت: «با وجود این‌که شرایط تاریخی و سیاسی دست‌خوش تغییر شده است اما بازبینی توافقات قدیمی امری دشوار است.»

وی گفت: «درخصوص ترسیم مرزها در توافق لوزان باید بگوییم که کسب اراضی جدید توسط ترکیه و یا از دست دادن اراضی کنونی تقریباً امری غیر قابل امکان است.»

اردوغان، در سال ۱۴۰۰ نیز، به‌مناسبت سال‌گرد پیمان صلح لوزان پیامی منتشر و در این پیام اعلام کرد: «امروز سال‌گرد پیمان صلح لوزان است. پیمانی که یکی از اسناد بنیان‌گذار جمهوری ترکیه است. ملت ما با وجود انواع ناممکن‌ها، خیانت‌ها و دشواری‌ها برای دستیابی به استقلال مبارزه کرده و به پیروزی رسیدند. این پیروزی به‌واسطه پیمان صلح لوزان در صحنه بین‌المللی تایید شده است. ترکیه ۹۸ سال است که با شجاعت و الهامی که از تاریخ خود گرفته، در راه ساختن آینده روشن خود با ثبات و استوار پیش می‌رود. ما هر اقدام خیانت‌آمیزی که وحدت، یکپارچگی، صلح، آرامش و رفاه کشور و ملت ما را نشانه بگیرد، خنثی می‌کنیم. هنگامی که یک‌صدمین سال‌گرد جمهوری خود را در سال ۲۰۲۳ جشن می‌گیریم از لحاظ اقتصادی، نظامی، سیاسی و دیپلماتیکی به یک کشور قوی‌تر، مستقل‌تر و مرفه‌تر تبدیل شده‌ایم. موفقیت‌های مهمی که در زمینه‌های مختلف از سوریه تا لیبی، از دریای مدیترانه شرقی تا مبارزه با تروریسم به‌دست آورده‌ایم، صریح‌ترین نشانه اراده ما در حمایت از حقوق و منافع کشورمان است. ترکیه در برابر تهدیدها، ارباب و باج‌خواهی محافل خاص گردن کج نخواهد کرد و به دفاع از حقوق خود که منطبق با قوانین بین‌المللی است، ادامه خواهد داد.»

رجب طیب اردوغان، همچنین دوشنبه ۹ آبان ۱۴۰۱، به مناسبت نود و نهمین سال‌گرد امضای معاهده لوزان در بیانیه‌ای اعلام کرد: «طرف یونانی شروط ثبت شده در این معاهده را نادیده می‌گیرد یا به‌صورت عمدی به ویژه در زمینه حقوق اقلیت ترک مسلمان این کشور این شروط را از میان برده است.»

تنش‌ها بین ترکیه و یونان، بار دیگر بر سر حریم هوایی و اوضاع در جزایر غیرنظامی دریای اژه افزایش یافته است. پس از تلاش نخست‌وزیر یونان برای عدم فروش هواپیماهای جنگنده «اف ۱۶» به ترکیه در کنگره آمریکا، اردوغان در موضع‌گیری کم سابقه خود تاکید کرد: «نخست‌وزیر یونان دیگر برای او وجود ندارد». روابط بین ترکیه و یونان،

دو عضو ناتو اغلب دچار تنش بوده است به طوری که سال گذشته این روابط به شدت رو به وخامت گذاشت و کشتی‌های جنگی در شرق مدیترانه در نزاع بر سر مرزهای دریایی و حقوق انرژی با هم روبه‌رو شدند. ترکیه معتقد است هدف رفتارهای یونان در سال‌های اخیر فرسوده کردن پیمان لوزان است، چرا که مفاد این پیمان را رعایت نکرده و هدفش تصاحب بعضی از جزایر با ایجاد بحران چند روزه است.

ماریا ثوفیلو نماینده دائمی یونان در سازمان ملل در واکنش به نامه همتای ترک خود به دبیرکل سازمان ملل، طی نامه‌ای به دبیرکل مواضع یونان پیرامون موضوعاتی که از سوی طرف ترک مطرح شده بود، مدعی شد:

«استدلال ترکیه پیرامون تحویل جزایر اژه و شرق مدیترانه به یونان با پیمان لوزان مشروط به غیر نظامی بودن این جزایر کاملاً بی‌پایه و از نظر حقوق و تاریخی غلط است. درباره پیمان لوزان باید تاکید شود که حاکمیت یونان در جزایر شرق دریای اژه در ماده ۱۲ پیمان به‌طور کامل تایید شده است.

حاکمیت یونان مشروط به هیچ وظیفه‌ای از جمله غیرنظامی کردن جزایر نیست و هیچ اشاره‌ای به واژه‌هایی همچون «غیر نظامی شدن»، «غیر نظامی‌سازی» یا «وضعیت غیرنظامی‌سازی» نشده است. درباره جزایر دوازده گانه تاکید داریم که بر اساس پیمان پاریس (۱۹۴۷)، ایتالیا حاکمیت این جزایر را به‌طور کامل و بدون پیش شرط به یونان واگذار کرد.

طبق توافق‌نامه لوزان، مدارس خارجی در مرزهای دولت ترکیه مطابق قوانین ترکیه تاسیس شده و مفاد درسی مدارس فوق توسط دولت ترکیه تنظیم می‌شود. بر این اساس ترکیه از پرداخت غرامت جنگ رهایی یافت. مرزهای کشور به جز مرز با عراق مشخص شد و از نظر ترکیه جنگ جهانی اول به پایان رسید.

به غیر از یونانی‌های مقیم استانبول، سایر یونانی‌ها از ترکیه به یونان فرستاده شده و به غیر از ترک‌های تراکیه غربی (واقع در خاک یونان) همه ترک‌ها نیز به ترکیه آمده و به این ترتیب تبادل جمعیت بین دو کشور صورت می‌گرفت. پس از جنگ جهانی اول و تبادلات جمعیتی که بین دو کشور صورت گرفت، اقلیت ترک همچنان در ترکیه غربی زندگی می‌کنند که طبق معاهده لوزان ۱۹۲۳ به‌عنوان اقلیت شناخته شد و ترکیه می‌گوید در این منطقه ۱۵۰ هزار نفر «ترک تبار» ساکن هستند، در حالی که یونان اصرار دارد که آن‌ها ۱۲۰ هزار «مسلمان یونانی» هستند. ترکیه اصرار دارد که ساکنان تراکیه غربی را به‌عنوان یک اقلیت ملی ترک در نظر بگیرند و خواستار اعطای حقوق کامل به آن‌ها هستند و یونان آن‌ها را به‌عنوان یک اقلیت مسلمان یونانی می‌شناسد و برای این‌که ساکنان تراکیه غربی خود را ترک تبار ندانند، محدودیت‌هایی علیه آن‌ها اعمال می‌کند. از دیدگاه ترکیه، مفتی کل در مناطق ترک‌تبار یونان باید توسط مسئولان فتوا یا ائمه جماعت آن‌ها تعیین شود، اما یونان این قضیه را نمی‌پذیرد.

یونان می‌گوید به‌عنوان یک دولت حاکم بر قانون، به حقوق بین‌الملل و حمایت از حقوق بشر به‌طور کامل متعهد است و تعهدات خود ناشی از پیمان لوزان که صریحاً و به‌طور واضح به اقلیت مسلمان در تراس اشاره دارد، را اجرا می‌کند. تلاش‌های مستمر ترکیه برای تحریف واقعیت و همچنین ادعاهای این کشور مبنی بر عدم حفاظت از حقوق این شهروندان یا تبعیض علیه آن‌ها، بی‌اساس است و به‌طور کامل رد می‌شود. یونان مفاد پیمان لوزان را در رابطه با اقلیت مسلمان این منطقه به‌طور کامل اجرا می‌کند.

توافق‌نامه لوزان، یکی از طولانی‌ترین پیمان‌های صلح بوده است. بر این اساس ترکیه از پرداخت غرامت جنگ رهایی یافت. مرزهای کشور به جز مرز با عراق مشخص شد و از نظر ترکیه جنگ جهانی اول به پایان رسید.

«مهمت بایراک»، تاریخ‌دان ترکیه در ۹۶مین سالگرد پیمان لوزان که به جنگ ترکیه و یونان پایان داد، عنوان کرده است: «تاوان پیمان لوزان را کردها پرداختند.»

به گزارش روزنامه ینی یاشام، مهمت بایراک تاریخدان ترکیه در ۹۶مین سالگرد پیمان لوزان که به جنگ ترکیه و یونان پایان داد به ارزیابی این پیمان پرداخته و عنوان کرد: تاوان پیمان لوزان را کردها پرداختند.

پیمان لوزان توافقنامه‌ای بود که به‌ضرر کردها تمام شد. پیش از پیمان لوزان بحث خودمختاری کردها در بخش ترکیه بسیار جدی مطرح شده بود ولی بعد از امضای این پیمان تمام فعالیت‌های کردها در این راستا به اتمام رسید. تا آن تاریخ کردها و ترک‌ها در شرایط کاملاً برابری زندگی می‌کردند ولی بعد از پیمان لوزان در ۱۹۲۴ میلادی سریعاً قانون اساسی ترکیه تغییر پیدا می‌کند آن هم در راستای مطالبات اتحادگرایان (اشاره به جمعیت اتحاد و ترقی) در قانون اساسی رگه‌های اسلامی و ترک‌گرایی به‌وجود می‌آید. انسان‌ها اگر درس عبرت گرفتن از تاریخ را بلد بودند هیچ‌کدام از این‌ها اتفاق نمی‌افتاد و هیچ‌کدام از این روند‌های خونین، غم‌بار و پر از اشک رخ نمی‌داد.

مهمت بایراک، در ادامه اظهارات خود تصریح کرد: «در ذهنیت ترکیه الحاق سرزمین‌های کردستان عراق به سرزمین‌های خود وجود دارد. در حال حاضر مهم‌ترین مسئله میان بخش‌های مختلف کردستان بخش کردستان ترکیه است. تا زمانی که مسئله کردهای ترکیه حل نشود نمی‌توان از حل مسائل دیگر سخن گفت. مسئله کردهای ترکیه باید در چارچوب برابری، حقانیت و عدالت حل و فصل شود.»

در پایان می‌توانیم تاکید کنیم که کردها اولین ملت حقیقی بودند که علیه سایکس-پیکو و قراردادهای دیگر متعاقب آن مخالفت ورزیدند و هنوز مبارزه مردم کرد برای رهایی از اسارت و بردگی دولت‌ها ادامه دارد. اکنون پس از گذشت یک قرن از این پیمان‌نامه‌ها، عبدالله اوجالان که بخشی عظیمی از مردم کرد در خاورمیانه، او را «رهبر آبو» خطاب می‌کنند تئوری‌ها و سیاست‌های جدیدی را تدیون کرده است و آن‌هم رد قاطع «ملت - دولت» و تاکید بر کنفدرالیسم دموکراتیک است.

کنفدرالیسم دموکراتیک به کردی (Konfederalizma demokratik) نامیده می‌شود؛ یک مدل سیستم سیاسی است که توسط عبدالله اوجالان، رهبر زندانی حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) تئوریزه شده و بر پایه‌های اساسی دموکراسی مستقیم، فمینیسم، سیاسی، بوم‌شناسی، چندگانگی فرهنگی، اقتصادی تعاونی، حق طبیعی دفاع و خودگردانی شورایی استوار است. در اشاره به فلسفه سیاسی عبدالله اوجالان از واژه‌های «کمونالیسم» و «آپوئیسم نیز استفاده می‌شود؛ فلسفه‌ای که در ابتدا تحت تاثیر نظریات بوم‌شناسی اجتماعی «مورای بوکچین» به‌عنوان راهکاری برای خواسته‌های خلق کرد در منطقه خاورمیانه و همچنین رفع مشکلات اساسی جوامع طبقاتی در کشورهای این منطقه مطرح شد؛ و سپس به مرور به‌عنوان جنبشی انترناسیونالیستی و در نقد ناسیونالیسم، در راه آزادی، برابری و نهایتاً رهایی از سیستم‌های سرمایه‌داری، نه تنها مورد توجه مردم کرد، بلکه مورد توجه افکار عمومی خاورمیانه و جهان قرار گرفته بود.

اوجالان نظریات خود را بیش از همه با تاثیر از ایده‌های فیلسوف آنارشیست آمریکایی، مورای بوکچین، در حوزه بوم‌شناسی اجتماعی و اصالت خودگردانی شهری صورت‌بندی کرده است. بوکچین در آثار خود استدلال می‌کند که نابودی طبیعت نتیجه سلطه انسان‌ها بر یکدیگر از طریق سازوکارهای دولت-ملت، اشکال مختلف سرمایه‌داری، و سیستم‌های سلسله‌مراتبی است؛ و از این رو برای تغییر شکل جامعه‌ی سلسله‌مراتبی مخرب به یک جامعه اجتماعی اکولوژیک، ساختار اجتماعی بشریت به‌یک بازاندیشی نیاز دارد، به‌گونه‌ای که عموم در آن زیست مشترک خود را به‌صورت مستقل سازمان‌دهی کرده و بین اجزاء تعادل برقرار شود. اوجالان نیز با نگاه به نظریات بوکچین، رویکردی انتقادی نسبت به دولت-ملت و ناسیونالیسم دارد و حق تعیین سرنوشت مردم را به‌عنوان «پایه استقرار یک دموکراسی اساسی، بدون نیاز به جست‌وجوی مرزهای سیاسی جدید» تحلیل و تفسیر می‌کند. بر این اساس، اوجالان می‌نویسد که

رامحل سیاسی برای خلق کرد مستلزم ایجاد یک دولت ملی جدید نیست، بلکه تشکیل یک نظام دموکراتیک، غیرمترکز یا به گونه‌ای محورستیز از ارگان‌های خودسازمان‌ده در قالب یک کنفدراسیون است. عبدالله اوجالان و خالق فلسفه کنفدرالیسم دموکراتیک در سال ۲۰۱۳ در فهرست ۱۰۰ شخصیت اثرگذار جهان قرار گرفت.

اوجالان کنفدرالیسم دموکراتیک را به‌عنوان یک مدل مدیریت سیاسی و چارچوبی نوین برای خودسازمان‌دهی بدون دولت در هر نوع جامعه، از جمله شهرها، ادارات، واحدهای تولیدی، نهادهای آموزشی، یا گروه‌های ملی و جنسیتی معرفی می‌کند. این مدل سیاسی مبتنی بر خودگردانی و دموکراسی مشارکتی و مستقیم کانون‌ها و انجمن‌های محلی، پارلمان‌ها و شوراهای باز، شوراهای شهری و کنگره‌های بزرگتر است که شهروندان در آن کارگزاران مستقیم جامعه خودگردان هستند. افراد و سازمان‌ها و نهادها و احزاب سیاسی در چنین جامعه‌ای، مجازند که بر محیط و فعالیت‌های مشترک خود تاثیر واقعی داشته باشند.

عبدالله اوجالان توسط سرویس‌های امنیتی ترکیه با همکاری سازمان سیاسی و موساد و ... در سال ۱۹۹۹ دستگیر شد و تا کنون ۲۴ سال است که در زندان جزیره امرالی در حومه استانبول به سر می‌برد. در این مدت به صدها کتاب از جمله ترجمه ترکی متون تاریخی و فلسفی متعدد از اندیشمندان غربی دسترسی داشته و تمام وقتش را صرف مطالعه و نوشتن کرده است؛ نوشتن درباره مسئله کردها و تشریح فلسفه سیاسی خود به‌عنوان راه حل مشکلات منطقه؛ و همچنین نوشتن دفاعیاتی برای دادگاه ترکیه که وی را به اعدام محکوم کرده بود و با لغو اعدام در ترکیه، حکم اعدام وی به حبس ابد تبدیل شد.

نخستین امکان تحقق این فلسفه سیاسی اوجالان، زمانی تحقق پیدا کرد که در طول جنگ داخلی سوریه، در سه کانتون جزیره، کوبانی و عفرین (کردستان سوریه)، کنفدرالیسم دموکراتیک اعلام شد و در نهایت به مدیریت خودگردان شمال و شرق سوریه انجامید؛ منطقه‌ای که امروز با نام «روژآوا» نیز شناخته می‌شود و علاوه بر کردها، مردم عرب، آشوری، ارمنی، ترکمن، و چرکس‌ها هم در آن زندگی مسالمت‌آمیزی دارند. می‌کنند.

جنبش کنفدرالیسم دموکراتیک با مناسبات شورایی تا حدودی ساختارهای خود را در ایران، ترکیه، سوریه و عراق ایجاد کرده است که به روی همه مردم مبارز و حق‌طلب و آزادی‌خواه باز هستند و مهم‌ترین نمود آن را در انقلاب «زن، زندگی، آزادی» تجربه کردیم؛ انقلابی که با افت و خیزهایی در جریان است و به‌طور جدی و پیگیر، سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی و برپایی یک جامعه آزاد و برابر و شایسته انسانی را در افق و چشم خود قرار داده است.

چهارشنبه چهارم مرداد-اسد- ۱۴۰۲- بیست و ششم جولای ۲۰۲۳